

زندگی و احوال ایرانیان

پانزده سال تبلیغ مذهبی در ایران

سمیوئل گراهام ویلسن

ترجمه شهلا طهماسبی



کتاب پنجره

سرشناسه:

ویلسون، سیموئل گراهام، ۱۸۵۸-۱۹۱۶ م. Wilson, Samuel Graham

عنوان و نام پدیدآور:

زندگی و احوال ایرانیان: پانزده سال تبلیغ مذهبی در ایران / سیموئل گراهام ویلسون؛ ترجمه شهلا طهماسبی.

مشخصات نشر:

تهران: کتاب پخنده، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری:

۳۳۳ ص: ۱۳/۵ × ۲۱/۵ س.

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۲-۹۸-۵

وضعیت فهرست‌نویسی:

فنی

یادداشت:

عنوان اصلی: Persian life and customs, with scenes and incidents of residence and travel in the land of the lion and the sun, 1900.

یادداشت:

نمایه

عنوان دیگر:

پانزده سال تبلیغ مذهبی در ایران.

موضوع:

Missions -- Iran ایران -- مبعوضات مسیحی

موضوع:

ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

Iran -- Social life and customs

موضوع:

ایران -- دین Iran -- Religion

شناسه افزوده:

طهماسبی، شهلا، ۱۳۳۱ -، مترجم

رده‌بندی کنگره:

DSR۶۳

رده‌بندی دیویی:

۹۵۵/۰۰۷۲

شماره کتابشناسی ملی:

۷۶۴۳۲۰۵



انتشارات
کتاب پنجره

تهران - خیابان سه‌رودی شمالی - میدان شهید قندی - شماره ۱۹ - تلفن ۸۱۵۱۱۰۶۰



www.instagram.com/ketabepanjereh

www.ketab.ir

زندگی و احوال ایرانیان

پانزده سال تبلیغ مذهبی در ایران

سمیوئل گراهام ویلسن

ترجمه شهلا طهماسبی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

حروف‌چینی و لیتوگرافی: خدمات فرهنگی صبا

طرح روی جلد: محسن سعیدی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۲-۹۸-۵

ISBN: 978-964-7822-98-5

بها: ۸۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۷.....	یادداشت مترجم
۱۹.....	فصل یک: عبور از دریای سیاه
۳۵.....	فصل دو: گرجستان و آزارات
۵۷.....	فصل سه: تبریز، مادر شهر
۷۹.....	فصل چهار: مراغه، مقر مغول ها
۹۳.....	فصل پنج: سیری دور دریاچه ارومیه
۱۲۵.....	فصل شش: تاخت و تاز کردها
۱۴۳.....	فصل هفت: ارامنه کوه نشین و ایلات کوچنده
۱۵۵.....	فصل هشت: تهران، پایتخت ایران
۱۷۷.....	فصل نه: همدان و تخت سلیمان
۱۸۷.....	فصل ده: وضعیت و نیازهای ایران
۲۱۷.....	فصل یازده: زندگی اجتماعی و خانوادگی
۲۴۳.....	فصل دوازده: زندگی روستایی
۲۵۵.....	فصل سیزده: کسب و کار
۲۷۹.....	فصل چهارده: میسیون های جدید در ایران
۲۹۹.....	پیوست ۱: تاریخ تبریز

مقدمه

طنز دلچسب «آخرین مهرگان»، درود پروفسور نوزیتال از دانشگاه اصفهان همراه با سرپرست موزه سلطنتی در سال ۲۹۹۰ به آمریکا را تصویر می‌کند. زمانی که ظاهراً هنر و دانش در این شهرهای کهن شکوفا شده‌اند، مسافران به بندری ناشناخته می‌رسند سراسر ویرانه و تهی از سکنه، اما با آثاری که از گذشته‌ای با عظمت حکایت می‌کنند. باستان‌شناسان کتیبه‌ای را کشف می‌کنند که نشان می‌دهد آنجا زمانی نیویورک مشهور بوده است. جلوتر می‌روند، به داخل نفوذ می‌کنند، به بنایی می‌رسند که گنبد باشکوه و متون‌های پرصلابت آن، گرچه کج شده‌اند از جلال و بزرگی حکایت می‌کنند که زمانی بر آن حکمفرما بود. از میان نرده‌های سراسری طبقه بالای تالار مدور، یک جفت چکمه پدیدار می‌شود، که نشان از حضور یک مرد دارد - آخرین ساکن قاره پهناور - که طوری با ضربه‌های محکم و بی‌محابای شانه از خود دفاع می‌کند، گویی می‌خواهد ایرانی‌های شگفت‌زده را زمین بزند. رسم و عاداتی که تا آخرین نسل دوام آورده است. بر طبق این اصل پذیرفته شده، مسافر امروزی که در میان ویرانه‌ای کاخ‌های داریوش و خشایارشا و سنگ‌نوشته‌هاشان که از بیست و پنج قرن پیش برجای مانده، پرسه می‌زند، تصور می‌کند که شاهد همان زندگی و احوالی است که هرودوت و گزنفون وصف کرده بوده‌اند. اما حدس و گمان او

تا اندازه قابل ملاحظه‌ای بر خطاست چون، احوالات شرقی گرچه تا میزان زیادی لایتغیرند از قوانین مادها و پارس‌ها پایدارتر نیستند. مدام جرح و تعدیل‌هایی صورت می‌گیرد. ایرانی‌ها با تغییر مخالفت ندارند. عادت نوشیدن چای که تقریباً همگانی شده است، در قرن حاضر پدید آمده است. دامن [کوتاه] بالرین‌ها جایگزین دامن‌های بلندی شده که چند دهه قبل در نقاشی‌ها به عنوان لباس زنان در اندرونی ترسیم می‌شد، کلاه بلند یا کلاه پوست گوسفند بدون لبه از حیث جنس و مدل تغییرات متعددی به خود دیده است. صاحب منصب‌ها و تاحدود زیادی تجار عباهای گشاد و شال‌های کمر چند لایه را کنار گذاشته‌اند و کت فراک بر تن می‌کنند و کمر بند چرمی می‌بندند. افراد قشون کت کوتاه چسبان می‌پوشند که آنیفورم نظامیان اتریشی است، گرچه عده‌ای از آن اکراه دارند چون اعضای بدن را در معرض دید می‌گذارد. ریش بلند نسل قبل که از فتح‌علی شاه تقلید می‌کرد، به تبعیت از شاه فعلی به سبیل تقلیل یافته است.

در ایران حقوق و عوارض گمرکی نه تنها بکنواخت نیست بلکه در قسمت‌های مختلف کشور و حتی در قسمت‌های مختلف یک ایالت فرق می‌کند. آدم باید تمام مدت چهارچشمی اعلامیه‌های مهم را تجزیه و تحلیل کند، چون به عبارت‌ها و اصطلاحاتی برخورد می‌شود که دست آدم را می‌بندند، عبارت‌هایی که نیازمند دقت هستند و مانع ایجاز در بیان اطلاعات اصلی می‌شوند.

ایران به عنوان سرزمینی تاریخی کماکان مورد توجه بسیار است، هرچند که نامش مثل بعضی از کشورهای آسیایی چندان بر سر زبان‌ها نیست. نگاه‌های اجمالی به زندگی ایرانیان آنچنان که در آثار یونانیان و کتاب مقدس آمده، در افکار عمومی مسیحیان جای خاصی برای این کشور به وجود آورده است. برای بسیاری از مردم، کورش و دانیال، استر و اسکندر، شخصیت‌های

زنده‌اند. پیروان زرتشت و آتش پرستان ایران^۲، مسلک صوف یگری، تصویر آن در شب‌های عربی^۳ شهرت شاعران آن، فردوسی، حافظ و سعدی، وفاداری و مبارزه قهرمانانه برای خاندان علی (ع)، برای عده بسیار کمی جالب توجه بوده است و خواننده امروزی را برای آشنایی با ایران امروز آماده می‌کند.

گزارش‌های نمایندگان کمپانی هند شرقی [انگلیس] و نمایندگان ناپلئون [در ایران] در اوایل این قرن [نوزدهم / سیزدهم قمری] توجه به ایران را فزونی بخشیده است. آثار و نوشته‌های گروهی از سیاحان و کاشفان قابل، مانند [هنری کرزیک] رالینسن، [جیمز] موریه، [رابرت] کربورتر، [جیمز بیلی] فریزر، و در این اواخر سفرهای اعلیحضرت [ناصرالدین] شاه به اروپا، این توجهات را تقویت کرده است. روابط ایران و آمریکا و اطلاع از شرایط یکدیگر در حال تعمیق است. آمریکا هنوز در ایران به دنیای جدید / بر جدید شهرت دارد. در ایران مردی آمریکایی ملهم عبارت ترکی «یانکی دنیادنی» [او از دنیای جدید است] به گوشش می‌خورد و علاقه داشت آن را «یانکی دودل دندی» تفسیر کند. شاید عده‌ای هنوز این را درست بدانند.

[در ایران] اطلاع از آمریکا هنوز بسیار محدود است. با این حال عده کمی آن را مکانی به شمار می‌آورند که بر درخت‌هایش طلای روید و اعقاب کلمبوس / کریستف کلمب و سرخپوست‌ها در آن سکونت دارند. برای آن‌ها آمریکا سرزمینی عجیب است که شاه ندارد و قدرتش را هرگز درک نکرده‌اند و به سختی تشخیص می‌دهند، گفته می‌شود که شاه [ایران] پرسیده بود «آمریکا چند سرباز دارد؟» و وقتی که شنید پنجاه هزار تا، گفته بود. پس کشور بزرگی نیست. ژنرال آپتون موقع سفر به دور دنیا برای این که شاه را تحت تأثیر قرار دهد، در جواب همین سوال گفته بود: «ده میلیون». برای برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور باید تجارت پرورش یابد و مراودات بین‌المللی

بیشتر شود. نمایشگاه [جهانی] شیکاگو [۱۸۹۳/۱۳۱۱] اطلاعات دو طرف از همدیگر را افزایش داد.

نیاز آمریکا به کسب اطلاعات درباره ایران بارها ابراز شده است. زمانی چند بچه ولگرد به چند مسافر [ایرانی] در گیل گاردن گلوله برفی پرتاب کردند و اعتراض آن‌ها را برانگیختند. روزنامه‌ای بزرگ، که از آب و هوای ایران هیچ اطلاعی نداشت، در گزارشی که راجع به این واقعه داد، نوشت، ایرانی‌ها در عمرشان چنین ماده عجیب سفیدی ندیده بودند و فکر کرده بودند که چیست.

نوشته‌های مربوط به ایران در حال افزایش است. تا به حال هیچ اثری با تاریخ ایران نوشته سچان ملک^۴ برابری نکرده است. کتاب تاریخ ایران در دوره قاجار [کلمنت رابرت] مارکام^۵ وقایع نام‌های وفادارانه از دوران قدیم [ایران] است. تاریخ قاجار از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۱ نوشته [رابرت گرنت] واتسن^۶، برای درک شرایط سیاسی کنونی یک منبع اساسی است. کتاب ادبیات فارسی نوشته خانم رید^۷ که این اواخر در آمریکا به چاپ رسید، رساله‌ای تحسین برانگیز و پرتعداد درباره این موضوع است. ترجمه آثار شاعران [ایرانی] معروف به زبان انگلیسی در دسترس است و بعضی از آنها منظوم‌اند.

سفرنامه‌های مربوط به ایران کم نیستند و بیشتر توسط انگلیس‌یها به نگارش درآمده‌اند. بعضی از سیاحان چنان به تفصیل درباره چرت بعد از ظهرشان، رسیدنشان به منزل‌ها^۸، بیماری اسبشان یا ناراحتی‌های خودشان نوشته‌اند که گویی از زندگی مردم دور و برشان پراهمیت‌تر بوده است. جامع‌ترین اثر در مورد جغرافیا، تجارت و موضوعات سیاسی ایران، *ایران و قضیه ایران* نوشته جرج [ناتانیل] کرزن^۹ است. فصل‌های «هنر

ایرانی» و «خاندان سلطنتی» در کتاب *ایران و ایرانیان* [سمیوئل گرین ویلز] بنجامین^{۱۲}، بی نظیر است و در عین حال و هوای ادبی دلچسبی نیز دارد. کشیش جیمز بیست در کتاب *سرزمین امام*^{۱۳}، گزارش دقیق و مبسوطی از مکان‌ها در راه‌های اصلی داده است. اثر خوبی در مورد گمرکات، به نام *سفرنامه دکتر ویلز یا ایران در یک قرن پیش*، نوشته دکتر [جیمز چارلز] ویلز^{۱۴}، کارمند اداره تلگراف هند و اروپایی است اما عده‌ای از آن ایراد گرفته و گفته‌اند که دقیق نیست. به گمان من هیچکس هر قدر هم که پایبند به بیان حقیقت باشد در مورد کشوری همچون ایران نمی‌تواند از خطا بری باشد یا به دام اطلاعات غلط ایرانیان دغلباز نیفتد.

مواد تألیف این کتاب طی چهارده سال اقامت در تبریز در سمت مبلغ هیأت تبلیغی خارجی پروسبیتی آمریکایی^{۱۵} فراهم آمده است. [اسمتی] که وظیفه‌اش [تبلیغ مذهبی و وعظ سیار است و اساس برنامه مدرسه الهیات و آموزش مموریال^{۱۶} را تشکیل می‌دهد، اداره امور خزانه‌داری هیأت، مسئولیت رسیدگی به ساختمان‌ها و اموری حقوقی مرا در ارتباط با زندگی و خصوصیات مردم اعم از فقیر و غنی قرار داده است. کار سیار و تبلیغ موجب ملاقات من با تعداد زیادی از مقامات محلی شده و فرصتهای زیادی برای مشاهده رفتار و کردار و احوال مردم در اختیارم گذاشته است. تقریباً همه کتاب‌هایی را که به زبان انگلیسی در مورد ایرانیان و مسلمانان نوشته شده خوانده‌ام مع هذا بیشترین قسمت نوشته‌هایم حاصل مشاهدات و تجربیات شخصی است و آن چه که از مردم درباره خودشان شنیده‌ام. اقامت من در تبریز در میان نژاد غالب ایران بود، ترک‌ها و تاتارها که شاهان قاجار به آن تعلق دارند و در ایالت‌های شمال غربی تا جنوب، یعنی تا تهران و همدان جانشین نژادهای کهن شده‌اند. از قضای روزگار آن که هم چشمی

دیرین میان ایران و توران بر اساس افسانه و شعر، به سلطه توران ختم شد، با آنکه ایرانیان سرزمین محبوبشان را از اعراب سامی نژاد باز پس گرفتند، زندگی که در این جا تصویر شده، آن چیزی است که به واسطه اختلاط این دو نژاد اصلاح شده است.

این کتاب به تدریج گسترش یافته و بعضی از بخش های آن با همکاری نشریات مذهبی و غیرمذهبی تهیه شده است. سفری به آمریکا فرصتی فراهم آورد تا یادداشت های سال های قبل را مرتب و منظم کنم با هدف جلب توجه عموم و به هیچ رو داعیه جامعیت ندارد. امید است که اطلاعات واقعی از زندگی ایرانیان به دست دهد و تصویری از مردمانی جالب ارائه کند. فصل اول به توصیف صحنه ها و مکان هایی که *en route* (در راه) ایران و در طول سفرهای متوالی دیده شد، اختصاص یافته است. در مواردی که چند سفر با یک هدف انجام شد. شرح تجربیات در یک جا گرد آمده است. فصل های بعد به زندگی معمول، مذهبی، اجتماعی، خانوادگی و شغلی مردم شهرها، روستاها و ایلات اختصاص یافته است. فصل های آخر به اختصار مربوط به روش ها و نتایج تبلیغ مذهبی در میان اقوام مختلف ایران است.

این کتاب با هدف توصیف تاریخی میسیونری نگاشته نشده اما امید دارد که شرایط اخلاقی و فکری و مذهبی ایرانیان را به مسیحیان نشان دهد و توجه آنان به گسترش تبلیغ مذهبی برانگیزد. شهرها و ایالاتی که از آنها سخن رفته جاهایی اند که هم اکنون کار تبلیغی توسط هر دو گروه پروتستان و کاتولیک جریان دارد.

از بحث در مورد شرایط سیاسی اجتناب شده زیرا نویسنده هم در یک مرکز تجاری بزرگ زندگی می کرد (تبریز) نه در تهران که مرکز طرح ها و برنامه های سیاسی برای آسیای مرکزی است، و هم جانب احتیاط را نگه داشته، و هم

این که سیاست موضوعی است مورد علاقه عموم و اکثر کسانی که در مورد ایران نوشته اند در آن غور و مطالعه کرده اند و راه حل ارائه داده اند، و ظاهراً هم به یک نتیجه رسیده اند، یعنی آنکه آینده ایران از لحاظ سیاسی به روسیه بستگی دارد. آن ها ایران را میوه رسیده ای دیده اند در دسترس این قدرت که کافی است دستش را دراز کند و آن را بچیند. در این کتاب در فصل «وضعیت و نیازهای ایران» به اندازه لازم به این موضوع پرداخته شده است. اطلاعات جغرافیایی و تاریخی که در دایرة المعارف ها یافت می شوند، حذف شده اند. ایران هنوز به نیازهای خود به یک تمدن و فرهنگ مدرن یا روشنگری مسیحی پی نبرده است. بسیاری از روشنفکران عقب ماندگی کشورشان را تشخیص می دهند و از پیشرفت بنیادی استقبال می کنند، یعنی گشایش کشور به روی ترقیات زمان، بهبود و اصلاح وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم، معرفی علوم و فنون همراه با آزادی. طرز تفکر امروزی پذیرای عقاید قرن نوزدهمی به شکل بهره کشی تجاری یا تغییر چشمگیر در عقاید مذهبی مردم نیست. به ویژه عملیات تجارتي خارجی به سبب به هم خوردن اکثر پروژه ها، راکد هستند. از جمله [امتیاز] انحصار تنباکو [معروف به رژی] که بر هم زدن آن حتی تاج و تخت را نیز لرزاند. حکومت به سبب مخالفت مقامات مذهبی دچار ضعف شده است. شاه با وجود روحیه ترقی خواهی و عزم و جدیت برای پیشرفت و روشنگری مردم خود، از طرفی در مقابل فساد و انحطاط اداری، و از طرف دیگر در مقابل محافظه کاری ملاها، قدرت اجرایی ندارد. اما به رغم ابرهای تیره و چشم انداز گرفته و سنگین، من به آینده این مردم و قابلیت های سرزمین شان امیدوارم.

سمیونل گراهام ویلسن

تبریز ۱۳۱۲/۱۸۹۵